

## یادداشت

## پیروزی ممدانی و تقابل دو گفتمان

چپ‌گرایی شهری در برابر راست‌گرایی فدرال



محسن شریف‌خدائی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

در شب سرد نوامبر ۲۰۲۵، در قلب نیویورک، زهران ممدانی، شهردار جدید پیروزی خود را در انتخابات شهرداری همراه با هوادانش جشن گرفت. اما این جشن فقط یک پیروزی محلی نبود، بلکه نقطه آغاز یک تحول گفتمانی در سیاست آمریکا نیز به شمار می‌آید. ممدانی، نخستین شهردار مسلمان با ریشه‌های هندی و اوگاندایی، با شعارهایی برخاسته از عدالت اجتماعی، اقتصاد مردمی و سیاست خارجی مستقل توانست در رقابت با چهره‌های سنتی حزب دموکرات، جریان جمهوری خواه و تهدیدهای راست‌گرایانه دونالد ترامپ، پیروز انتخابات شود. او نه‌تنها شهردار نیویورک شد، بلکه به نماد نسلی در آمد که در پی بازتعریف سیاست‌ورزی در عصر پساترامپ است. او نه‌تنها شهردار پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین شهر در ایالات متحده، بلکه زمام‌دار یکی از پیچیده‌ترین، پرفرودترین و جهانی‌ترین شهرهای جهان شد، شهری که نه‌فقط پایتخت اقتصادی آمریکا، بلکه نماد تنوع فرهنگی، مرکز رسانه‌ای و سکوی پرتاب سیاست‌های نوآورانه در سطح ملی و بین‌المللی است. نیویورک با جمعیتی بیش از هشت میلیون نفر، میزبان بیش از ۱۸۰ ملیت و صدها زبان است. این شهر نه‌تنها مقر سازمان ملل متحد و قطب مالی وال‌استریت است، بلکه در حوزه‌هایی چون هنر، فناوری، آموزش عالی و فرهنگ عمومی نیز نقشی بی‌بدیل دارد. شهردار نیویورک، برخلاف بسیاری از شهرداران دیگر، فقط مدیر یک کلان‌شهر نیست، بلکه بازیگری مؤثر در حوزه سیاست داخلی و حتی روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. از این رو، پیروزی شهردار جدید در این جایگاه، معنایی فراتر از یک موفقیت محلی دارد، او اکنون در موقعیتی است که می‌تواند گفتمان چپ‌گرایانه و عدالت‌خواهانه خود را از سطح شهر، به سطح کشور و حتی جهان گسترش دهد.

ممدانی در کارزار انتخاباتی خود، تمرکز را از نخیکان سیاسی به خیابان‌های شهر بازگرداند. او وعده داد فروگشاه‌های عمومی برای مقابله با گرانی ایجاد کند، مالیات شرکت‌های بزرگ را افزایش دهد و اداره‌ای برای ایمنی اجتماعی تأسیس کند. اما آنچه او را از دیگر نامزدها متمایز کرد، مواضع صریحش در سیاست خارجی بود، به‌ویژه حمایت از حقوق مردم فلسطین و انتقاد از نسل‌کشی اسرائیل در غزه. در مناظره‌ها، ممدانی اعلام کرد که در صورت سفر بنیامین نتانیاهو یا ولادیمیر پوتین به نیویورک، آنها را به‌خاطر حکم دادگاه کفری بین‌المللی بازداشت خواهد کرد. هرچند کارشناسان حقوقی این وعده را غیرقابل اجرا دانستند، اما این موضع‌گیری نشان‌دهنده جسارت گفتمان جدیدی بود که حاضر است در برابر قدرت‌های جهانی ایستادی کند.

در مقابل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت، بارها ممدانی را «فاجعه‌بار»، «خر بد»، «کاملاً نامطلوب» و حتی «کمونیست» توصیف کرد. او تهدید کرد که در صورت پیروزی زهران، کمک‌های فدرال به نیویورک را قطع خواهد کرد. اما این تهدیدها نه‌تنها تأثیری بر نتیجه انتخابات نداشت، بلکه موجب تقویت جایگاه شهردار جدید به عنوان «سپر محافظ مردم نیویورک در برابر ترامپ» شد. از نظر حقوقی، رئیس‌جمهور نمی‌تواند به‌تنهایی بودجه فدرال لشهرها را قطع کند؛ این اختیار در دست کنگره است. افزون بر آن، نیویورک فقط حدود ۶.۴ درصد از بودجه خود را از منابع فدرال تأمین می‌کند و اقتصاد متنوع و قدرتمند آن توانایی جذب منابع جایگزین را دارد. بر اساس داده‌های منتشرشده، کلان‌شهر نیویورک با تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۲.۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۵، اگر به‌تنهایی به عنوان یک کشور در نظر گرفته شود، در جایگاه دهمین اقتصاد بزرگ جهان، درست پس از روسیه و پس از ترکیو در رتبه دوم شهرهای ثروتمند جهان قرار می‌گیرد. این جایگاه اقتصادی به شهردار نیویورک امکان می‌دهد در سطح جهانی نقش‌آفرینی کند، حتی در حوزه‌هایی مانند سیاست خارجی، تجارت و دیپلماسی فراملی.

در سال‌های اخیر، شهرها و ایالت‌های آمریکا روزبه‌روز جسورتر شده‌اند و مستقل از دولت فدرال عمل می‌کنند، حتی در حوزه‌هایی مانند سیاست خارجی. کالیفرنیا نمونه‌ای پیشرو در این زمینه است؛ با افتتاح دفتر تجاری در مکزیک، اعضای توافق‌نامه‌های دوجانبه و پایبندی به توافق کشتی‌های پاریس پس از خروج آمریکا از آن در دوران ترامپ. ممدانی نیز با توجه به جایگاه نیویورک، ناگزیر وارد عرصه سیاست خارجی خواهد شد. او نماینده نسلی جدید از دموکرات‌هاست که خواهان تغییرات ساختاری‌اند و در برابر سیاست‌های فدرالی ناکارآمد به‌ویژه در حوزه مهاجرت، اقلیم و عدالت جهانی، موضع‌گیری می‌کنند. تحلیل‌های منتشرشده نشان می‌دهند پیروزی شهردار نیویورک می‌تواند آغازگر یک «بازتعریف بنیادین» در حزب دموکرات باشد. این گفتمان جدید بر عدالت اقتصادی، خدمات اجتماعی و مخالفت با سرمایه‌داری افراط‌گرایست و دوری از وابستگی عمیق به اسرائیل تأکید دارد. در حالی که گفتمان بایدن در حزب دموکرات بیشتر بر میانه‌روی و حمایت سنتی همه‌جانبه از اسرائیل و عدم تحرک و جاذبه لازم در داخل و خارج متمرکز بود، ممدانی با مواضع صریح در حمایت از فلسطین و انتقاد شدید از نتانیاهو، نماینده نسلی جدید از دموکرات‌هاست که خواهان تغییرات ساختاری‌اند. اما چالش اصلی شهردار جدید نیویورک نه با بایدن، بلکه با رویکرد راست‌گرای افراطی ترامپ است. او در برابر تهدیدهای ترامپ ایستاده و نیویورک را به سنگر مقاومت در برابر سیاست‌های فدرالی تبدیل کرده است. اگر این روند ادامه یابد، گفتمان او می‌تواند در سطح ملی گسترش یابد و حتی گفتمان بایدن در حزب دموکرات را به حاشیه براند. در کنار پیروزی شهردار جدید، انتخابات سال ۲۰۲۵ شاهد دو تحول مهم دیگر نیز بود: پیروزی دو فرماندار دموکرات در ایالت‌های نیوجرسی و ویرجینیا، در نیوجرسی، میکی شریل و در ویرجینیا، ابیگیل اسپنبرگر - هر دو از طیف میانه‌رو حزب دموکرات- توانستند کرسی‌هایی را که پیش‌تر در اختیار جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌های محافظه‌کار بود، به دست آورند. این پیروزی‌ها، در کنار موفقیت ممدانی، نشان‌دهنده تنوع گفتمان درون حزب دموکرات است؛ از سوسیالیسم شهری در نیویورک تا میانه‌روی در ایالت‌های حومه‌نشین. نکته مهم آن است که هر سه پیروزی، با تمرکز بر مسائل معیشتی، عدالت اجتماعی و مخالفت با سیاست‌های پوپولیستی ترامپ رقم خورد. در نظرسنجی‌های پس از رأی‌گیری، رأی‌دهندگان نگرانی از وضعیت اقتصادی، نابرابری و افراط‌گرایی سیاسی را از دلایل اصلی مشارکت خود عنوان کردند. این روند، به‌ویژه در ایالت‌هایی که در انتخابات میان‌دورهای کنگره در سال ۲۰۲۶ نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، می‌تواند رنگ خطرری جدی برای جمهوری‌خواهان به‌ویژه شخص ترامپ باشد. در حالی که یک مسلمان مترقی نه‌تنها شهردار نیویورک شده، بلکه به نماد یک تحول میانه‌رو در سیاست آمریکا تبدیل شده است، او نشان داد که در عصر پساترامپ، سیاست شهری می‌تواند مستقل، جسورانه، پیشرو و جهانی باشد. اگر این چرخش قدرت ادامه یابد، انتظار می‌رود که در ایالت‌هایی با جمعیت شهری مهاجر و جوان مانند کالیفرنیا، ماساچوست، ایلینوی و واشنگتن، گفتمان شهردار جدید به‌تدریج جایگزین گفتمان میانه‌رو و محافظه‌کارانه شود. این تحول نه‌تنها آینده سیاست شهری، بلکه معادلات ملی و حتی روابط بین‌الملل را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد.



## شکست دور دوم مذاکرات طالبان و پاکستان و ضرورت نقش آفرینی جدی و فوری ایران

## خط صلح تهران

فراهم می‌کند. از این‌ منظر، تداوم بی‌نتیجه مذاکرات میان افغانستان و پاکستان می‌تواند به فوریت امنیت ملی ایران را تهدید کند و موجی از ناامنی و بی‌ثباتی به داخل مرزهای کشور سرریز شود.

ایران، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و روابط متوازن خود با هر دو طرف، از ظرفیت ویژه‌ای برای میانجیگری برخوردار است. تهران طی سال‌های اخیر توانسته روابط نسبتاً حسنه‌ای با اسلام‌آباد در حوزه تجارت مرزی و همکاری‌های امنیتی برقرار کند و هم‌زمان تعامل مستقیم با حکومت طالبان در کابل، کانال‌های ارتباطی مؤثری را فراهم کرده است. این موقعیت به ایران امکان می‌دهد نقش میانجی فعال و واقع‌گرایانه‌ای ایفا کند که نه صرفاً از منظر سیاسی، بلکه با هدف حفظ امنیت و ثبات مرزهای شرقی کشور تعریف شده است. میانجیگری ایران می‌تواند در کوتاه‌مدت از شعله‌ورشدن دوباره جنگ میان دو کشور جلوگیری کند و در بلندمدت، موجب تقویت جایگاه دیپلماتیک تهران در معادلات منطقه‌ای جنوب آسیا شود.

ضرورت ورود فوری ایران به پرونده بحران مرزی طالبان و پاکستان از منظر امنیت ملی و حفاظت از منافع حیاتی انکارناپذیر است. با توجه به ماهیت سریع‌التهاب بحران، هرگونه تأخیر در اقدام می‌تواند زمینه‌ساز گسترش ناامنی، تحکرات شبه‌نظامیان و بی‌ثباتی در مناطق مرزی شود. اقدام فعال ایران باید شامل پیشنهاد میزبانی دور تازه‌ای از مذاکرات میان کابل و اسلام‌آباد، تسهیل گفت‌وگوها و ایجاد کانال‌های مؤثر نظارت بر اجرای توافقات باشد. این اقدام‌ها باید با جدیت و فوریت انجام شود تا از وقوع بحران انسانی و امنیتی در مرزها جلوگیری شود.

علاوه بر ابعاد امنیتی، میانجیگری ایران می‌تواند پیامدهای اقتصادی و انسانی بحران را نیز کاهش دهد. تجربه گذشته نشان داده است که تشدید درگیری‌ها میان کابل و اسلام‌آباد، موجی از جابه‌جایی اجباری جمعیت و قاچاق مواد مخدر را به دنبال داشته که مستقیم امنیت و ثبات استان‌های شرقی ایران را هدف قرار می‌دهد. با ورود فعال و برنامه‌ریزی‌شده ایران، می‌توان این تهدیدها را پیش از تبدیل‌شدن به بحران جدی، مدیریت و کنترل کرد.

در نهایت، موفقیت ایران در ایفای نقش میانجی، مستلزم هماهنگی کامل با نهادهای امنیتی، دیپلماتیک و منطقه‌ای است. این رویکرد، نه‌تنها موجب کاهش فوری تهدیدهای مرزی می‌شود، بلکه ایران را به‌عنوان بازیگری مسئول و اثرگذار در معادلات منطقه‌ای تثبیت خواهد کرد. با توجه به احتمال بالای ازسریع‌ری درگیری‌ها، ایران ناگزیر است به شکل جدی و فوری اقدام کند تا امنیت ملی، مرزهای شرقی و منافع حیاتی خود را حفظ کند؛ اقدامی که دیگر نمی‌تواند معطل بماند و باید با بالاترین اولویت در دستور کار قرار گیرد.

**نودر شفيعي: شروع دوباره درگيري بر امنيت ايران ارگزار است**

با توجه به نکات یادشده و در تبیین دقیق‌تر و عمیق‌تر دلایل درگیری اخیر طالبان افغانستان و پاکستان و نیز ضرورت نقش آفرینی تهران، نودر شفيعي طی گفت‌وگویی که با «شرق» دارد، به واکاوی معادلات پیچیده این بحران پرداخت. به گفته این مدرس دانشگاه، «مشکل اصلی میان پاکستان و افغانستان نه صرفاً فعالیت تحریک طالبان پاکستان است و نه یک اختلاف ساده مرزی؛ بلکه پیام سیاسی فعالیت این گروه نشان می‌دهد که عملاً بین افغانستان و ایالت خیبر پختونخوا وجود هدف جلوگیری از درگیری‌های مجدد، به دلیل اختلافات عمیق میان دو طرف و خواسته‌های نپذیرفتنی اسلام‌آباد، به شکست انجامید و آینده روابط امنیتی و مرزی میان افغانستان و پاکستان همچنان در هاله‌ای از تنش باقی مانده است.

**ورود جدی و سریع تهران**

در سایه شکست مذاکرات استانبول میان افغانستان و پاکستان، ضرورت نقش‌آفرینی ایران در بحران مرزی شرق کشور بیش‌ازپیش نمایان شده است. با توجه به تداوم اختلافات میان دو همسایه شرقی و احتمال ازسریع‌ری درگیری‌ها، تهدید مستقیم امنیت مرزهای شرقی ایران به‌ویژه در استان سیستان‌وبلوچستان افزایش یافته و پیامدهای انسانی، اقتصادی و امنیتی آن برای کشور غیرقابل‌امضاض است. مناطق مرزی افغانستان، به‌ویژه نواحی قندهار، ننگرهار و خوست، همواره محل فعالیت گروه‌های مسلح و افراطی بوده و هرگونه خلأ امنیتی، زمینه‌ دردت‌گیری مجدد این گروه‌ها و افزایش تحركات غیرقانونی مانند قاچاق سلاح و مواد مخدر را

منطقه‌ای تشکیل می‌دهند، هرگونه درگیری در یک بخش، دیگر اجزای سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او هشدار داد «پیامد مستقیم هر درگیری نظامی میان پاکستان و افغانستان، ناامن‌شدن مرزهای شرقی ایران است که خود را در قالب افزایش جرائم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و اسلحه و همچنین رشد رادیکالیسم نشان می‌دهد». این مجموعه مسائل، به گفته پژوهشگر مسائل جنوب آسیا، «دغدغه‌هایی جدی برای امنیت ملی ایران ایجاد می‌کند».

تحلیلگر مسائل پاکستان با اشاره به سابقه دیپلماتیک ایران متذکر شد «ایران در چارچوب منافع ملی خود موطف است به حل بحران میان افغانستان و پاکستان کمک کند. ما روابط نزدیکی با هر دو کشور داریم و به‌عنوان یک بازیگر خیرخواه می‌توانیم میانجیگری واقع‌گرایانه ارائه دهیم». استاد روابط بین‌الملل توضیح داد «ایران سنت دیرینه‌ای در کاهش تنش‌ها داشته و به دلیل تعلق فرهنگی و تمدنی به منطقه، ثبات و پیشرفت در این نواحی برای تهران اهمیت ویژه‌ای دارد». البته شفيعي به معادلات بعد از بازگشت ترامپ به کاخ سفید اشاره دارد و معتقد است «نوع نقش آفرینی آمریکایی‌ها شاید مانع از به ثمر رسیدن تلاش‌های تهران برای مهار بحران شود»، چون به باور او «در دوره ترامپ میانجیگری به کالایی برای خریدوفروش تبدیل شد و کشورها برای دریافت امتیازات سیاسی یا اقتصادی به این نقش پاسخ می‌دهند، بنابراین شاید ترامپ به دنبال آن باشد که در تنش طالبان و پاکستان به دنبال میانجیگری باشد تا یک گام به صلح نوبل نزدیک شود و درعین‌حال امتیازات خود را هم از هر دو طرف بگیرد.

استاد روابط بین‌الملل در تحلیل عملکرد کشورهای دیگر هم خاطرنشان کرد: «ترکیه که روابط نزدیکی با پاکستان و طالبان دارد و قطر نیز دراین‌میان نقش میانجیگری را پذیرفته است، نتوانست مذاکرات دو دور گذشته را به نتیجه برساند. دلیل آن روشن است؛ وقتی پای معامله و منافع سیاسی در میان باشد، گفت‌وگوها فاقد صداقت و حسن نیت بوده و اثربخشی واقعی ندارد». به نظر تحلیلگر ارشد حوزه شبه‌قاره، «اختلاف میان افغانستان و پاکستان، به دلیل ماهیت حاد و تاریخی موضوع خط دیورند، به‌راحتی از طریق مذاکره حل‌شدنی نیست و تنها سه راه‌حل احتمالی وجود دارد؛ ادامه جنگ تا مغلوب‌شدن یک طرف، سازش پس از هزینه‌های سنگین یا حل اختلاف در گذر زمان».

مفسر حوزه سیاست خارجی و تحلیلگر ارشد مسائل پاکستان با نگاهی دقیق‌تر به نقش ایران باور دارد «میانجیگری ایران می‌تواند واقعی و اثرگذار باشد زیرا تهران هم روابط حسنه با اسلام‌آباد دارد و هم کانال‌های ارتباطی مستقیم با کابل دارد. ورود فعال ایران به این بحران نه‌تنها امنیت مرزهای شرقی را تضمین می‌کند، بلکه به ثبات منطقه و کاهش مخاطرات انسانی و اقتصادی کمک خواهد کرد». پس شفيعي افزود «زمان و فوریت، دو عامل کلیدی برای ایران است و هرگونه تعلل می‌تواند پیامدهای امنیتی و انسانی گسترده‌ای به همراه داشته باشد».

پژوهشگر حوزه آسیای میانه در پایان تأکید کرد «خط دیورند و منافع حیاتی مرتبط با آن، همچنان محور اصلی تنش‌هاست و تا زمانی که این اختلاف حل نشود، درگیری‌ها و بن‌بست مذاکرات ادامه خواهد داشت. ایران با درک این معادلات و با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک و تاریخی خود، می‌تواند نقش میانجیگری فعال و مؤثر ایفا کند و از شعله‌ورشدن بحران در شرق کشور جلوگیری کند». او درعین‌حال هشدار داد «فصلت از این مسئولیت، تبعات مستقیم و فوری را برای امنیت ملی ایران خواهد داشت و هر تأخیر، فرصت را برای شکل‌گیری ناامنی و بحران‌های گسترده در مرزهای شرقی افزایش می‌دهد».

**شفيعي: «میانجیگری ایران می‌تواند واقعی و اثرگذار باشد زیرا تهران هم روابط حسنه با اسلام‌آباد دارد و هم پاکستان ارتباطی مستمر با کابل دارد. ورود فعال ایران به این بحران نه‌تنها امنیت مرزهای شرقی را تضمین می‌کند، بلکه به ثبات منطقه و کاهش مخاطرات انسانی و اقتصادی کمک خواهد کرد»**

## خبر

**رئیس قوه قضائیه: در جرائم امنیتی قابل گذشت هم می‌توان از صلح و سازش استفاده کرد**

رئیس قوه قضائیه گفت: در قبال برخی افراد که حتی در خلال جنگ تحمیلی ۱۲روزه نیز کاری خلاف امنیت کشور انجام داده‌اند که اقدام‌شان طبق قانون و ضوابط امنیتی کشور قابل گذشت است، می‌توان از راهکارهای مرتبط با «صلح و سازش» استفاده کرد و افراد و گروه‌هایی را برای صحبت با او و ارشاد او رهسپار کرد.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، در سخنانی در دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران مرکز توسعه حل اختلاف به مناسبت تأسیس شورای حل اختلاف، ضمن گرامیداشت سالروز تشکیل این نهاد و قدردانی از رحمات و خدمات همه نیروهای آن، اظهار کرد: نگاه ما به مقوله صلح و سازش، یک نگاه دین‌دارانه و اسلامی است و ما این امر را تزل به این نمی‌دهیم که به واسطه صلح و سازش، ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضائی کاهش می‌یابد. رئیس دستگاه قضا با بیان اینکه تقلیل ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضائی، صرفاً یکی از مظاهر و آثار صلح و سازش در دعاوی است، گفت: صلح و سازش، آثار و کارکردهای اجتماعی و ربیئی درخورتوجهی دارد؛ صلح و سازش در دعاوی، به تقویت برخی از هنجارهای اجتماعی و پیشگیری از وقوع برخی از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌انجامد. رئیس قوه قضائیه ضمن اشاره به ضرورت بهره‌گیری هرجه بیشتر از ظرفیت‌های اقشار مختلف مردمی در مقوله «صلح و سازش» و «حل اختلاف»، بیان کرد: در قضیه صلح و سازش، باید حداکثر استفاده از ظرفیت‌های مردمی انجام گیرد و همه اقشار اجتماعی در این زمینه به میدان آیند. حل اختلاف و صلح و سازش نباید منحصر در کار اداری و شبه‌اداری شود. او با اشاره به امکان وسعت‌بخشیدن به مقوله «صلح و سازش» و «حل اختلاف» و تسری آن به مقولات امنیتی در چارچوب ضوابط و قوانین، تصریح کرد: در برخی پرونده‌ها و مسائل امنیتی نیز می‌توان از ظرفیت «صلح و سازش» استفاده کرد. در قبال فردی که علیه نظام تبلیغ کرده یا اقدامی امنیت انجام داده که طبق قانون و ضوابط امنیتی کشور قابل گذشت است، می‌توان راهکارهای مرتبط با «صلح و سازش» را به کار گرفت. در این راستا، باید از ظرفیت افراد خبره، آشنا به مسائل، دلسوز و دارای بیان شیوا و رسا بهره گرفت. او افزود: در قبال برخی افراد که حتی در خلال جنگ تحمیلی ۱۲روزه نیز کاری خلاف امنیت کشور انجام داده‌اند که اقدام‌شان طبق قانون و ضوابط امنیتی کشور قابل گذشت است، می‌توان راهکارهای مرتبط با «صلح و سازش» استفاده کرد و افراد و گروه‌هایی را برای صحبت با او و ارشاد او رهسپار کرد.

محسنی‌اژه‌ای به تجربه موفق سال ۱۴۰۱ در این زمینه اشاره کرد و گفت: در سال ۱۴۰۱ نیز بیش از عفو‌ی که با مرحمت و بزرگواری رهبر انقلاب صورت گرفت و طی آن قریب به ۹۰ هزار پرونده‌ای بانکی با کاهش مجازات مواجه شد، اشخاصی صحبت با دستگیرشدگان، رهسپار دانمگاه‌ها شدند و این دستگیرشدگان در حین این گفت‌وگوها، تصریح می‌کردند که اشتباه کرده‌اند و نادم هستند. معتقدیم اکنون نیز می‌توان مجدداً از همان شیوه استفاده کرد. رئیس قوه قضائیه با اشاره به امکان بهره‌گیری از راهکارهای صلح و سازشی در پرونده‌های مرتبط با فضای مجازی، بیان کرد: یکی از موضوعات ما در کشور مبحث فضای مجازی است، می‌توان از ظرفیت نیروها و جوانان مستعد و خیرخواهی که کاربر فضای مجازی هستند، استفاده کرد و از طریق آنها، مسائل آن دسته از کاربران فضای مجازی را که احیاناً خلاف مصالح کشور عمل کرده‌اند، پیگیری کرد. رئیس دستگاه قضا درباره مسائل و پرونده‌های بانکی و امکان استفاده از راهکارهای صلح و سازشی در این قبیل پرونده‌ها نیز گفت: پرونده‌های زیادی وجود دارد که منشا آنها مسائل بانکی است. سالانه شکایات و دادخواست‌های زیادی مطرح می‌شود که طرفین آنها بانک‌ها، مشتریان آنها و مردم هستند؛ در این زمینه نیز می‌توان از راهکارهای مبتنی بر «صلح و سازش» و «حل اختلاف» با استفاده از ظرفیت نخبان شبکه بانکی، بهره گرفت.